

ترجمه و شرح قصیده غدیریّه مولی مسیحا فسوی

سید مرتضی موسوی گرمارودی*

چکیده: مولی مسیحا فسوی، دانشمند قرن یازدهم و دوازدهم، در قصیده خود که به زبان عربی سروده است، پس از اشاراتی به دشواریها، به سوی حلال مشکلات، روی می‌کند و در ابیاتی زیبا به مدح امیرالمؤمنین علیه السلام می‌پردازد. وی اطاعت از امام معصوم را فریضه بر می‌شمارد و با تأکید بر ولایت امیر مؤمنان، فضائل و مناقب ایشان را یک به یک می‌آورد. استناد به آیه مباهله، آیه ولایت، به بیان شجاعت و رحمت امیرالمؤمنین (جمع اضداد) در ابیات این قصیده آراسته شده و مترجم نیز در هر بیت با توجه به تناسب مطالب، به آیات و روایات استناد و توضیحات تکمیلی را در موضوع ولایت، امامت، فضائل و شجاعت امیرالمؤمنین ذکر کرده است. شرح حال مختصر و کتابشناسی آثار فسوی در ابتدای گفتار آمده است.

کلید واژه‌ها: امام معصوم علیه السلام - اطاعت / ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام / امیرالمؤمنین - فضائل / آیه مباهله / آیه ولایت / امیرالمؤمنین علیه السلام - شجاعت / خلافت / فسوی، مسیحا - سرگذشت‌نامه.

مقدمه

مولی محمد مسیح بن اسماعیل فسایی، مشهور به آخوند مسیحا و میرزا مسیحا فسایی یا فسوی، در حدود سال ۱۰۳۷ در فسا - واقع در استان فارس - دیده به

*. استادیار و عضو هیئت علمی گروه معارف دانشگاه علوم پزشکی مشهد.

جهان گشود. خاندان ثروتمند خود را به شوق طلب علم رها کرد. ابتدا به شیراز و سپس به اصفهان رفت و نزد استاد بزرگ روزگار خود آقا حسین خوانساری، علوم رایج زمان را فرا گرفت. وی علاوه بر تمام علوم، در ادبیات، ید طولی داشت. او صاحب خطبه‌های غزّا و مراسلات شیوایی است. علامه مجلسی به او اجازه روایت حدیث داد و در آن اجازه، او را در نهایت تجلیل و تبجیل ستود. دانشمندانی همچون کمال‌الدین حسین فسایی صاحب کتاب «حلّ شبهات الکاتبیّ القزویّنی» و «شرح شواهد المطوّل»؛ محمّد مؤمن جزائری شیرازی صاحب «زینة المجالس»، «زهرة الحیاة الدنیا»، «مجالس الأخبار و محالس الاخیار» و «اللّطائف و الظرائف» و محمّد علی حزین لاهیجی، در زمرة شاگردان اویند. حزین لاهیجی در «تذکرة المعاصرین»، شرح حال او را همراه با نمونه اشعار فارسی و عربی، با عبارات مسجّع آورده است که نکات زیر از آن بر می آید:

وی از شهر فسای شیراز، برآمد و با هجرت به اصفهان، در زمرة بزرگ‌ترین شاگردان آقا حسین خوانساری در اصفهان، درآمد و برای تصدّی منصب شیخ الاسلامی به شیراز بازگشت. حزین لاهیجی برای درک محضر او، از اصفهان به شیراز رفت و قریب چهارسال، در رشته‌هایی مانند منطق، هیئت، حساب، طبیعیات و الهیات در خدمت او درس آموخت. تخلّص او در اشعار عربی «مسیح» و در اشعار فارسی «معنی» است. حزین لاهیجی نمونه‌ای از اشعار عربی و فارسی او را آورده و خاطر نشان کرده است که وی در حدود ۹۰ سالگی دیده از جهان بست. حزین لاهیجی در رثای او دو قصیده سرود یکی با مطلع:

از دیده به دامن ره خون جگر افتاد تاج شرف از تارک فضل و هنر افتاد

و دیگری با مطلع:

افسوس که شاهنشاه ایوان سخن رفت ویرانی نظم است که سلطان سخن رفت

(تذکرة المعاصرین: ص ۱۰۱ - ۱۱۱)

شیخ آقا بزرگ تهرانی در طبقات اعلام الشیعة (قرن ۱۲، ص ۷۲۳ - ۷۲۵) ملخّص مطالب حزین لاهیجی را همراه با نام آثار ملامسیحا فسوی آورده است.

مولی محمدعلی آزاد کشمیری نیز در کتاب «نجوم السماء فی تراجم العلماء» (ص ۲۱۶ - ۲۲۱) گزیده‌ای از مطالب شیخ علی حزین را از دو کتابش - تذکرة المعاصرین و سوانح عمری - آورده و ۸۹ بیت از قصیده غدیریّه او را نقل کرده است.

یکی از آثار ملامسیحا فسوی، مجموعه‌ای است که نسخه خطی آن در کتابخانه وزیری یزد به شماره ۳۹۸۸ موجود است و فیلم آن به شماره ۲۴۴۴ و عکس آن فیلم به شماره ۵۷۶۸ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگاهداری می‌شود. در صفحات ۱۰۸ و ۱۰۹ این مجموعه قصیده‌ای از ملامسیحا فسوی به خط او آمده، قصیده‌ای در رثای فرزندش که در زمان حیات وی به قتل رسیده است. متن این قصیده به خط ناظم در ادامه این گفتار عیناً نقل می‌شود.

اینک برخی از آثار او که در منابع کتابشناسی آمده است:

۱. اثبات واجب، این رساله با استفاده از سه نسخه خطی توسط استاد عبدالله نورانی در کتاب «آرام نامه» (به کوشش مهدی محقق، ص ۱۱۲ - ۱۵۳) به چاپ رسیده است.
۲. تحفه سلیمانیه ترجمه ارشاد شیخ مفید. چاپ سنگی تهران، ۱۳۰۳ قمری، در ۵۳۷ صفحه رحلی.

۳. قصیده الطنانه (عربی) در مدح امیرالمؤمنین علیه السلام. به نوشته محدث قمی در فوائد الرضویّه (ص ۶۴۳)، این قصیده در حاشیه نهج البلاغه چاپ ایران منتشر شده است.

۴. حواشی بر حواشی خفری بر شرح تجرید، محدث قمی نسخه خطی آن را در فوائد الرضویّه (ص ۶۴۳) گزارش کرده است.

۵. حاشیه شرح تجرید طوسی - نسخه خطی ۱۹۶۵ دانشگاه تهران.

۶. حلیه الآداب و حلیه الکتاب - نسخه خطی ۲۴۵۴ دانشگاه تهران.

۷. قصر و اتمام نماز، به نوشته الذریعه (ج ۱۷ ص ۱۰۱) به زبان فارسی است.

۸. دیباچه ترجمه مصائب النواصب، در نجوم السماء از آن یاد شده است.

۹. تفضیل النبی و آله الطاهرین علی الملائکة المقربین، به نوشته محقق تهرانی

(الذریعه ج ۴ ص ۳۶۱) این کتاب در پاسخ به کلام فخر رازی است که ملك را از مطلق بشر، برتر دانسته است.

۱۰. اشعار، محقق تهرانی در مواضع مختلف موسوعه الذریعه، (از جمله ج ۹ ص ۱۰۴۱، ۱۰۶۵ و ۱۰۷۴؛ ج ۱۶ ص ۲۸؛ ج ۱۷ ص ۸۸ و ۱۳۰) از اشعار او یاد کرده است.

تاریخ وفات او را در کتاب فارس نامه ناصری (ج ۲ ص ۲۳۵) سال ۱۱۲۷ و در کتاب تذکره نصرآبادی (ص ۱۷۳)، سال ۱۱۱۵ دانسته اند که با توجه به کلام حزین لاهیجی، سال ۱۱۲۷ صحیح تر می نماید. برای تفصیل در مورد زندگی و آثار او بنگرید به: آثار العجم، فرصت حسینی شیرازی، ص ۸۳؛ آرام نامه، به کوشش مهدی محقق، ص ۱۱۲ - ۱۵۳؛ فارس نامه ناصری، حسن حسینی فسایی، ص ۱۳۹۲ - ۱۳۹۳؛ فوائد الرضویه، شیخ عباس قمی، ص ۶۴۳؛ نجوم السماء، محمدعلی کشمیری، ص ۲۱۶ - ۲۲۱. تذکره نصرآبادی، محمدطاهر نصرآبادی، ص ۱۷۴ - ۱۷۵؛ طبقات اعلام الشیعه، آقا بزرگ تهرانی، قرن دوازدهم، ص ۷۲۳ - ۷۲۵؛ الذریعه، آقا بزرگ تهرانی، ج ۱ ص ۱۰۹ و ۱۵۵؛ ج ۵ ص ۳۶۱؛ ج ۷ ص ۶۹ و ۱۰۴ و ۱۸۵؛ ج ۹ ص ۱۰۴۱ و ۱۰۶۵ و ۱۰۷۴؛ ج ۱۰ ص ۲۵۷؛ ج ۱۲ ص ۷۳ و ۹۵؛ ج ۱۳ ص ۳۴۱؛ ج ۱۶ ص ۲۸؛ ج ۱۷ ص ۸۸ و ۱۰۱ و ۱۳۰؛ ج ۱۸ ص ۳۲۴؛ ج ۱۹ ص ۳۵۷؛ ج ۲۰ ص ۲۹۷؛ تذکره المعاصرین حزین لاهیجی، ص ۱۰۱ - ۱۱۱ و تعلیقات معصوم سالک بر آن: ص ۲۴۲ - ۲۴۴.

آنچه در پی می آید، گزیده‌ای از قصیده غدیریۀ ملامسیحاست. سید احمد عطار در کتاب مجموع الرائق، ۹۱ بیت؛ کشمیری در نجوم السماء ۸۹ بیت، حسینی فسایی در فارس نامه ناصری ۱۹ بیت و علامه امینی در جلد یازدهم الغدیر، ۴۶ بیت از آن را آورده اند. در اینجا، گزیده‌ای از نقل علامه امینی با ترجمه فارسی و توضیح برخی از اشارات و تلمیحات و مستندات آن آمده که امید است مقبول طبع صاحبان طبع افتد.

مذكر الجاهل حسد
 ولا يكذب بكل شئت
 لا عين بعد لي بها الا
 سبب الله انما
 ولعوضن لعدنا الحق
 عيني الزناد ولتق لي
 وهو على كلبه الزيد
 حتى اجتمعهم ابيهم
 ولا فرق بيني وبين
 واوصب وود القوم
 من كل اذرع وقد يجر
 هبهات ابايات ولو نكت
 قوم صلواهم وودهم
 دم فضبة بينهم بمنز
 تمضي جاجهم على العبد
 هبهات ما عدت ولو
 قوم محالهم قواضيم
 الف بين وارده والذم
 تفنى سوا عدم عن الضمير
 هبهات ما تقب ولو سقيت
 قوم مباركهم معاركهم
 شخب النجور اخذ الملائكة
 ما عودوا بعد الرشد
 هبهات ما نجحت ولو دعت
 قوم اذا حبي الرطيس بهم
 حدق النجوم بالي الابد
 حسس النادق الخلق لهم
 ان الزعاف لا تقا دل
 قوم اذا اكثر الضال لهم
 هوس كلام وشايط العبد
 ان الامم كواجع لم تستم من هو كالتام اللام الخيمه

متن قصیده و ترجمه آن

۱. فضلی و مجدی و إتقانی و معرفتی عادات بأجمعها أسباب حرمانی
ترجمه: فضیلت و بزرگواری و استواری و دانش و معرفتم، همه و همه دست به
دست هم داده و اسباب حرمان من شده است.

شرح: شکوه و گلایه از گردش روزگار - که با اهل دانش دشمنی می‌کند و به
سفلگان و بی‌هنران، مال و مکت می‌بخشد در ادبیات سابقه‌ای طولانی دارد.
برای مثال خواجه شیراز می‌فرماید:

فلک به مردم نادان دهد زمام مراد تو اهل دانش و فضلی همین گناهت بس
و قآنی می‌گوید:

مباش غزه دلا در جهان به فضل و هنر که شاخ فضل و هنر، فقر و فاقه آرد بر
۲. لو قلب الدهر أوراقي لصادفها آیات لقمان فی أشعار حسان
ترجمه: اگر روزگار، صفحات کلام مرا زیر و رو کند، با حکمت و نشانه‌های لقمان
حکیم در خلال اشعار حسان بن ثابت، مواجه خواهد شد.

شرح: شاعر در مقام مفاخره - که میان شاعران دانشمند و حکیم، امری رایج
است - می‌گوید: کلام من، از سویی دارای حکمتهایی چون حکمت لقمان حکیم
است و از سوی دیگر، این حکمت در قالب اشعار زیبایی قرار دارد که شبیه اشعار
حسان بن ثابت (شاعر مخضرم و برجسته عصر رسول خدا ﷺ) است.

۳. دنياي قد ثكلتني فهي باكية نجومها الدمع والعينان عینان
ترجمه: روزگار، سوگوار من است و می‌گرید؛ گویی ستارگانش اشکهای اوست و
چشمهایش نیز چون دو چشمه جوشان از اشک، جاری است.

۴. واسوء بسط يد غلت إلى عنق حتى بدی المزن بالامطار بارانی
ترجمه: آه از آن ناتوانی و گرفتاری [که در رنج آن] ابرهای پُر باران باگریه‌های من
رقابت می‌کنند.

۵. و قوست ألي كالتون من نصب فکساد ینقلب ایران نیرانی

ترجمه: روزگارا، قامت رسای چون الفم را از شدت رنجها همچون حرف نون، خمیده کرده، تا آنجا که سرزمینم ایران را بر من چون آتش گردانیده است.

شرح: در این بیت دو تشبیه با ظرافت به کار رفته است: یکی: تشبیه قامت شاعر به حرف الف (که راست و کشیده است) و نون (که خمیده و منحنی است). دیگری واژه ایران به نیران، چون اگر واژه ایران را وارونه کنیم، کلمه نار یعنی آتش، به دست می آید که مرادف کلمه نیران است و وزن آن نیز با واژه ایران یکی است.

۶. فیما ارتقایی سحاباً غیر ماطرة؟ إلی م أرضی بأرض لیس ترعانی؟

ترجمه: چه انتظاری دارم از ابری که عقیم است؟ و چرا راضی باشم به زمینی که بایر است؟

شرح: شاعر پس از بیان مشکلات عدیده خود، گویا دنبال راه حل مناسبی می گردد؛ اما هیچ کجا آن را نمی یابد. پس روی به حلال همه مشکلات می آورد و او کسی نیست جز امام امیرالمؤمنین و یعسوب الدین علی بن ابی طالب علیه السلام... لذا چنین شروع به مدح آن حضرت می کند:

۷. من لی بعاصف شمالی یبلغنی إلی الغری فیلقینی و ینسانی؟

ترجمه: کجاست آن که مرا با تندبادی طوفانی (یا باد شمال) به وادی غری (نجف) رسانده و همانجا بگذارد و بگذرد و فراموشم کند؟

شرح: باد شمال در ادبیات منظوم، بیشتر به عنوان پیام رسان و یاور عاشقان مطرح می شود.

حافظ می فرماید:

اگر چه در طلبت هم عنان باد شمالم به گرد سرو خرامان قامتت نرسیدم

نیز می فرماید:

ای باد اگر به گلشن احباب بگذری زنهار عرضه ده بر جانان پیام ما

۸. إلی الذی فرض الرّجمن طاعته علی البریّة من جنّ و إنسان

ترجمه: ای کاش باد صبا مرا [در نجف] به کسی برساند که خدای رحمان اطاعت از او را بر جنّ و انس واجب گردانیده است.

شرح: دربارهٔ وجوب اطاعت از امام معصوم، روایات فراوانی وجود دارد در اینجا به یکی از آنها اشاره می‌کنیم:

عن اسماعیل بن جابر، قال: قلت لأبي جعفر عليه السلام: أعرض عليك ديني الذي أدين الله عز وجلّ به؟ قال: فقال: هات. قال: فقلت: أشهد أن لا إله الا الله وحده لا شريك له وأنّ محمداً عبده ورسوله، والإقرار بما جاء به من عند الله، وأنّ عليّاً كان إماماً فرض الله طاعته؛ ثمّ كان بعده الحسن إماماً فرض الله طاعته، ثمّ كان بعده الحسين إماماً فرض الله طاعته، ثمّ كان بعده عليّ بن الحسين إماماً فرض الله طاعته حتى انتهى الأمر إليه، ثمّ قلت: أنت يرحمك الله. قال: فقال: هذا دين الله ودين ملائكته. (کافی ۱ / ۳۲۹)

۹. علی المرتضیٰ الحاویری مدائحه أسفار توراة بل آیات فرقان

ترجمه: [آن بزرگوار کیست؟] او علی مرتضیٰ عليه السلام است که مدایح او در اسفار تورات و آیات قرآن آمده است.

شرح: امام علی عليه السلام اوّلین امام از دوازده امام معصوم است و در تورات، سفر پیدایش، آیات ۲۰ و ۲۱ آمده است:

«اما در خصوص اسماعیل، تو را اجابت فرمودم. اینک او را برکت داده بارور گردانم و او را بسیار کثیر گردانم؛ دوازده رئیس از وی پدید آیند و امتی عظیم از وی به وجود آورم.»^۱

در قرآن نیز آیات بسیاری دربارهٔ امیر مؤمنان عليه السلام نازل شده است. از جمله آیات سنورهٔ انسان که دربارهٔ ایثار آن حضرت و فاطمهٔ زهرا و حسن و حسین عليهم السلام به اسیر و یتیم و فقیر است.

۱۰. ما أستعين بشمالٍ ولا قدم من ترب ساحتہ طوبی لأجفانی

ترجمه: نه، نه، دیگر از باد شمال و از قدم‌هایم برای رسیدن به آنجا یاری نخواهم جست؛ بلکه خوشا پلک چشمانم که خاک آستان مقدّسش را با آن خواهم رُفت.

۱. در مورد وجه استدلال یا استشهاد به این جملهٔ تورات به امامت امیرالمؤمنین عليه السلام در کتاب مناظرات شیخ الشریعة اصفهانی با آلوسی بغدادی در باب امامت (نسخهٔ خطی کتابخانهٔ آیت الله مرعشی نجفی، قم، شماره ۸۵۳۱) توضیحاتی آمده است.

۱۱. تَنَزَّهَ الرَّبُّ عَنْ مِثْلِ يَخْبَرْنَا بِأَنَّهُ وَرَسُولَ اللَّهِ سَيِّان

ترجمه: خداوند - که از داشتن مثل و مانند منزّه است - ما را آگاه فرموده که علی و رسول خدا ﷺ همانند یکدیگرند.

۱۲. كَأَنَّ رَحْمَتَهُ فِي طَيِّ سَطُوتِهِ أَرَامَ وَجَرَّةَ فِي آسَادِ خَفَّانِ

ترجمه: رحمت و مهربانی امام علی علیه السلام در کنار سطوت و خشم سهمگینش، به آهوانی شبیه است که در کنار شیران خشمگین حضور داشته باشند.

شرح: شاعر به جامع الاضداد بودن امیرالمؤمنین علیه السلام اشاره می‌کند که بسیاری از دانشمندان حتی دانشمندان غیرمسلمان به آن اذعان دارند.

وَجَرَّة: مکانی بین عراق و عربستان محلّ زندگی آهوان است و شاعران فراوانی در شعر خود از آن یاد کرده‌اند.

امروُ القیس، شاعر دوران جاهلیت، می‌گوید:

تَصَدُّ وَ تُبْدِي عَنْ أُسَيْلٍ وَ تَتَّقِي بِنَاطِرَةٍ مِنْ وَحْشٍ وَجَرَّةَ مُطْفِلٍ

اصمعی می‌گوید: وجره بین مکه و بصره است و چهل میل (واحد مسافت که اندکی بیش از کیلومتر) وسعت دارد؛ آنجا محلّ فرود کاروان نیست، بلکه محلّ زندگی وحوش است. (نک: الصحاح الجوهری ۲ / ۸۴۴؛ تاج العروس ۷ / ۵۸۴)

۱۳. عَمَّ الْوَرَى كَرَمًا فَاقَ الذَّرَى شَمًّا رَوَى الثَّرَى عَنَّمَا مِنْ نَحْرِ فَرَسَانِ

ترجمه: [هنگام بخشش] پیشتاز همگان در بخشش و کرم است و از [حیث شرف و بزرگواری از] همه خلایق برتر و والاتر است؛ و [هنگام نبرد] روی زمین را از خون دلیران خضاب می‌کند.

۱۴. فَالْدِينِ مُنْتَظِمٍ وَ الشَّمْلِ مُلْتَمِّمٌ وَ الْكُفْرِ مُنْهَدِمٌ مِنْ سَيْفِهِ الْقَانِي

ترجمه: دین خداوند از او سامان یافت و پراکندگی [اسلام و مسلمین] بوسیله او برطرف شد و اساس کفر از شمشیر او - که از خون دشمنان سرخ فام گشته - منهدم گردید.

۱۵. كَالْبَرْقِ فِي بَسْمٍ وَ النَّارِ فِي ضَرْمٍ وَ الْمَاءِ فِي سَجْمٍ مِنْ نَهْرِ أَفْنَانِ

ترجمه: او چون برق است آن گاه که لبخند می‌زند؛ چون آتش است آن گاه که

شعله می‌کشد؛ چون آب است آن گاه که از ابر تازه برآمده، با شدت، روان می‌شود.

۱۶. فِقَارُهُ وَهِيَ فِي غَمْدِ تَجَلَّلُهَا آيِ الْوَعِيدِ حَوَاهَا جِلْدُ قُرْآنِ

ترجمه: مثل شمشیر او در غلاف، مثل آیات عذاب قرآن است که جلد قرآن آنها را در بر گرفته است.

۱۷. قَدْ اقْتَدَى بِرَسُولِ اللَّهِ فِي ظُلْمٍ وَالنَّاسَ طَرّاً عَكُوفٌ عِنْدَ أَوْثَانِ

ترجمه: هنگامی که همه مردم در تاریکیهای جاهلیت نزد بتها معتکف بودند (انواع بتها را می‌پرستیدند) او به رسول خدا ﷺ اقتدا کرده بود.

۱۸. تَعَسَّأَ لَمْ كَيْفَ ضَلُّوا بَعْدَ مَا ظَهَرَ لَهُمْ سَوَارِقَ آيَاتِ وَبِرْهَانَ؟

ترجمه: نفرین بر آنان باد؛ چگونه پس از آنکه آیات الهی و دلایل محکم پیش پایشان را روشن کرده بود، گمراه شدند؟

۱۹. فَهَلْ أُرِيدُ سِوَاهُ حَيْثُ قِيلَ لَهُمْ هَذَا عَلِيٌّ فَنَ وَالَاهُ وَالْإِنِّي؟

ترجمه: آیا پیامبر ﷺ هنگامی که فرمود: «هر که این علی را ولی خود بداند، مرا به ولایت پذیرفته»، کسی جز علی را اراده کرده است؟

شرح: روشن است که این بیت، اشاره به موارد فراوانی دارد که پیامبر ﷺ ولایت امیرالمؤمنین را ملازم با ولایت خود شناسانده است؛ به ویژه روز غدیر. مدارک فراوان آن - به ویژه کتاب «الغدیر» علامه امینی و مجلد غدیر از کتاب «عبقات الأنوار» - ما را از نقل مستندات، بی‌نیاز می‌کند.

۲۰. هَلْ رَدَّتِ الشَّمْسُ يَوْمَ لَابِنِ حَنْتَمَةَ أَوْ هَلْ هَوَى كَوْكَبٌ فِي بَيْتِ عَثْمَانَ؟

ترجمه: آیا هیچ گاه آفتاب برای خلیفه دوم بازگشت کرده است؟ و آیا هیچ گاه ستاره‌ای در خانه عثمان، فرود آمده است؟

شرح: درباره بازگشت آفتاب برای امیرمؤمنان علی روایاتی در کتب فریقین وجود دارد که از باب نمونه به یکی از آنها اشاره می‌کنیم:

روى الطبرانی في (المعجم الكبير) باسناده عن أسماء:

أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صَلَّى الظُّهْرَ بِالصُّهْبَاءِ ثُمَّ أُرْسِلَ عَلِيًّا فِي حَاجَةٍ، فَرَجَعَ وَقَدْ صَلَّى النَّبِيُّ الْعَصْرَ، فَوَضَعَ النَّبِيُّ رَأْسَهُ فِي حِجْرِ عَلِيٍّ فَنَامَ. فَلَمْ يَحْرَكْهُ حَتَّى غَابَتْ

الشمس فقال النبي ﷺ: اللهم إنَّ عبدك علياً احتبس نفسه على نبيّه، فردّ عليه الشمس. قالت: فطلعت عليه الشمس حتى رُفعت على الجبال و على الارض و قام عليّ فتوضّأ و صلّى العصر ثمّ غابت و ذلك بالصهباء. (المعجم الكبير ۲۴ / ۱۴۴ - ۱۴۵، ح ۳۸۲)

درباره فرود آمدن ستاره در خانه امیرمؤمنان علیه السلام نیز روایاتی در کتب فریقین وجود دارد که در غالب آنها به آیات صدر سوره و النجم اشاره شده است. از باب نمونه، به یکی از آنها اشاره می‌کنیم:
روی الحاکم الحسکاتی بإسناده عن أنس قال:

انقضّ كوكبٌ على عهد رسول الله ﷺ فقال النبي ﷺ: انظروا إلى هذا الكوكب، فمن انقضّ في داره فهو الخليفة من بعدي فنظروا فاذا هو انقضّ في منزل علي بن ابي طالب. فقال جماعة من الناس: قد غوى محمد في حبّ عليّ، فأنزل الله: ﴿و النجم إذا هوى ۞ ما ضلّ صاحبكم و ما غوى ۞ و ما ينطق عن الهوى إن هو الا وحي يوحى...﴾ (شواهد التنزيل ۲ / ۲۷۵ - ۲۷۷، ح ۹۱۰ - ۹۱۱؛ میزان الاعتدال ۳ / ۶۹، رقم ۲۷۵۹؛ لسان الميزان ۴ / ۴۲۴، رقم ۱۸۳۵)

۲۱. هل جاد يوماً أبوبكر بخاتمته مناجياً بين تحريم و أركان؟

ترجمه: آیا هیچ گاه خلیفه نخست در بین تکبیره الاحرام و ارکان نماز، انگشتر خود را (به فقیر) بخشیده است؟

شرح: درباره اینکه امیر مؤمنان علی علیه السلام انگشتر خود را در نماز به فقیر بخشید، روایات فراوانی در کتب فریقین وجود دارد که ذیل آیه ۵۵ سوره مائده بدانها اشاره شده است از باب نمونه، به یکی از آنها اشاره می‌کنیم:

روی الطبري في تفسيره عن مجاهد، و ابن كثير في تفسيره عن سلمة بن كهيل و مجاهد و ابن عباس، و القرطبي في تفسيره عن الباقر علیه السلام و ابن عباس و مجاهد و السدي (و اللَّفْظُ لِلطَّبْرِيِّ) في قوله تعالى:

﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾ قال: نزلت في علي بن ابي طالب، تصدّق و هو راكع. (تفسير الطبري ۶ / ۲۸۹؛ تفسير

ابن كثير ۲ / ۷۲؛ تفسير القرطبي ۶ / ۲۲۱)

۲۲. و هل تظنّ تعالوا ندع أنفسنا في غيره نزلت؟ عن ذاك حاشاني

ترجمه: آیا گمان می‌کنی آیه مباهله (تعالوا ندع أبناءنا...) درباره شخصی غیر از علی علیه السلام نازل شده است؟ حاشا که چنین باشد.

شرح: درباره آیه مباهله (آل عمران (۳) / ۶۱) روایات زیادی در کتب فریقین وجود دارد از باب نمونه، به یکی از آنها اشاره می‌شود:

روی الحاكم باسناده عن عامر بن سعد، عن أبيه قال:

لما نزلت هذه الآية «ندع أبناءنا وأبناءكم ونساءنا ونساءكم وأنفسنا وأنفسكم» دعا رسول الله ﷺ علياً وفاطمة وحسناً وحسيناً - رضي الله عنهم - فقال: اللهم هؤلاء أهلي.

۲۳. أخصّ بالسطل و المنديل واحدهم؟ أم استحبوا بتفاح و رمان؟
ترجمه: آیا هیچ یک از آنها به سطل و دستمال و سیب و انار (در میان امت)

ویزگی یافتند؟

شرح: سطل آب و حوله (دستمال) برای غسل کردن امیر مؤمنان علیه السلام توسط فرشتگان آورده شد و این را محدثان فراوانی روایت کرده‌اند؛ (برای نمونه بنگرید به:

الخرواح الجرائح ۲ / ۸۳۷ - ۸۳۸؛ ملحقات احقاق الحق ۶ / ۱۲۹ - ۱۳۲)

حدیث انار و سیب را نیز جمعی از محدثان آورده‌اند؛ از جمله شیخ صدوق (ره) در امالی خود از ابن عباس چنین روایت می‌کند:

كنت جالساً بين يدي رسول الله ﷺ ذات يوم، و بين يديه علي بن أبي طالب و فاطمة و الحسن و الحسين عليهم السلام، إذ هبط عليه جبرئيل عليه السلام، و بيده تفاحة، فتحيا بها النبي ﷺ، و حيا بها النبي ﷺ علياً عليه السلام، فتحيا بها علي عليه السلام، و ردها إلى النبي ﷺ، فتحيا بها النبي ﷺ، و حيا بها الحسن عليه السلام، فقبلها و ردها إلى النبي ﷺ، فتحيا بها النبي ﷺ، و حيا بها الحسين عليه السلام، فتحيا بها الحسين و قبلها، و ردها إلى النبي ﷺ، فتحيا بها النبي ﷺ و حيا بها فاطمة، فقبلتها و ردها إلى النبي ﷺ و حيا بها النبي ﷺ ثانية، و حيا بها علياً عليه السلام، فتحيا بها علي عليه السلام ثانية، فلما هم أن يردوها إلى النبي ﷺ سقطت التفاحة من أطراف أنامله، فانفلقت بنصفين، فسطع منها نور حتى بلغ السماء الدنيا، و إذا عليه سطران مكتوبان: بسم الله الرحمن الرحيم، هذه تحية من الله عز وجل إلى محمد

المصطفیٰ و علی المرتضیٰ و فاطمة الزهراء و الحسن و الحسين سبطی رسول الله ﷺ، و أمان لمحبیبهم یوم القیامة من النار. (امالی / ۶۹۲-۶۹۳)

۲۴. أم ریثا صال عمرو بین أظهرهم سواه صبغ منه السیف بالقانی؟

ترجمه: آیا آن گاه که عمرو بن عبدودّ به میان ایشان هجوم آورد، کسی غیر از علیؑ شمشیر خود را از خون او رنگین ساخت؟

۲۵. أم خیبر کان وافی قبله بطلا؟ سل المصاریع من مرصوص بنیاد

ترجمه: آیا هیچ پهلوانی پیش از او به خیبر هجوم برده است؟ این مطلب را از درهای بر خاک افتاده قلعه خیبر پرس.

۲۶. أشاها لجمیع الجند قنطرة یجیزها الكلّ من رجل و ركبان

ترجمه: آن در را برای سپاهیان مسلمان پلی قرار داد؛ به طوری که سواره نظام و پیاده نظام همگی از روی آن گذشتند.

۲۷. أم ریثا انهزم الأصحاب فی أحد و ظلّ خیر الوری فرداً بلا ثان

ترجمه: در جنگ احد که اصحاب گریختند و بهترین مردمان (رسول الله) را تنها رها کردند؟

۲۸. من عصبة الشریک صفتّ حوله فئة ذات الخالب فی أریاش عقبان

ترجمه: و پهلوانان کفر، دور رسول خدا حلقه زدند؛ همانان که چون درندگان، چنگالهای تیز (اسلحه برنده) داشتند و چون عقابان تیز پرواز، چالاک بودند.

۲۹. سواه حامی رسول الله یطعنهم بسمهریٰ یحاکي لدغ ثعبان؟

ترجمه: در آن هنگامه وحشتناک، چه کسی جز امام علی با شمشیری که ضربه‌های آن چون نیش ازدها جانگزا بود، از پیامبر ﷺ حمایت کرد؟

۳۰. بالسیف و الرمح و الأنصال دافعهم عن الرسول بإخلاص و إسقان

ترجمه: با اخلاص و یقین کامل و با شمشیر و نیزه و تیر، دشمنان را از پیامبر ﷺ دور کرد.

۳۱. حتّی تبدّد أهل الشریک و انهزموا شبه الحنادس إذ تمحی بنیران

ترجمه: تا آنکه جمعیت مشرکان را پراکند و آنان چون تاریکیهای شب که با

شعله آتش نابود می‌گردند، به هزیمت افتادند.

۳۲. والقوم بشرهم إبليس من كذب بقتل أحمد مصروعاً بمیدان

ترجمه: و چون شیطان به دروغ، به کافران بشارت داد که پیامبر ﷺ در میدان نبرد کشته شده و بر زمین افتاده است؛

۳۳. فارتاح أنفسهم سرّاً و قد ستروا أسرارهم خوف أبصار و آذان

ترجمه: منافقان باطناً خوشحال شدند؛ اما شادی خود را - از بیم آنکه شاید چشم و گوش مؤمنان بر ایشان ناظر باشد - پنهان کردند.

۳۴. و هل تصدّق للنجوى سواه فتى؟ وقد مضى قبل نسخ الحكم يومان

ترجمه: و آیا هیچ کس جز امام علی علیه السلام برای نجوا با پیامبر ﷺ صدقه داد؟ در حالی که این کار او، دو روز قبل از نسخ حکم نجوا بود.

درباره عمل امیرالمؤمنین به آیه نجوا روایاتی وجود دارد از جمله اینکه: ابن ابی شیبۀ به اسناد از مجاهد، روایت می‌کند که علی علیه السلام فرمود: إِنَّهُ لَمْ يَعْمَلْ بِهَا (أَي بِآيَةِ الْمُنَاجَاةِ) أَحَدٌ قَبْلِي وَ لَا يَعْمَلُ بِهَا أَحَدٌ بَعْدِي؛ کان لي دينار فبعته بعشرة دراهم، فكنت إذا ناجيت رسول الله ﷺ تصدقت بدرهم حتى نفدت؛ ثم تلا هذه الآية: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نُجُوكُمْ صَدَقَةً. (مجادله (۵۸) / ۱۲) (المصنف ۷ / ۳۷۶، ح ۳۲۱۱۶؛ الخصائص للنسائي / ۱۲۹؛ الزیاض النضرة ۲ / ۱۷۰؛ شواهد التنزيل ۲ / ۳۱۱-۳۲۲)

۳۵. هل في فراش رسول الله بات فتى سواه إذ حفّ من نصل بنيران؟

ترجمه: آیا جز او هیچ جوانمرد دیگری در بستر رسول خدا - که پوشیده از تیرهای آتشین دشمنان بود - شب را به صبح آورد؟ در زمینه این فداکاری جاودانه امام امیرالمؤمنین علیه السلام از میان روایات فراوان، به یک روایت بسنده می‌کنیم.

روی الحاکم الحسکانی باسناده عن أبي سعيد الخدري، قال: لما أسرى بالنبي ﷺ يريد الغار، بات علي بن أبي طالب على فراش النبي ﷺ، فأوحى الله إلى جبرئيل و ميكائيل: إني قد آخيتُ بينكما و جعلتُ عمر أحدكما أطول من الآخر، فأيتكما يؤثر

صاحبه بالحیة؟ فکلاهما اختاراها و أحبّا الحیة؛ فأوحى الله إليهما: أفلا كنتم مثل عليّ بن أبي طالب؟ آخيتُ بينه وبين محمد ﷺ فبات على فراشه يقيه بنفسه. إهبطا إلى الأرض فاحفظاه من عدوّه. فكان جبرئيل عند رأسه و ميكائيل عند رجلیه و جبرئيل ينادى: بَخَّ بَخَّ مَنْ مِثْلِكَ يَا ابْنَ أَبِي طَالِبٍ! اللهُ عزّوجلّ يباهي بك الملائكة. فأنزل اللهُ تعالى: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ﴾. (بقره / ۲۰۷)

(شواهد التنزيل ۱ / ۱۲۳؛ كفاية الطالب / ۲۳۹؛ أسد الغابة ۴ / ۲۵؛ تذكرة الخواص ۳۵)

۳۶. لولاه لم يجدوا كفوًّا لفاطمة لولاه لم يفهموا أسرار فرقان

ترجمه: اگر او نبود، کفوی برای فاطمه علیها السلام یافت نمی شد و اگر او نبود، اسرار قرآن فهمیده نمی شد.

۳۷. لولاه كان رسول الله ذا عقم لولاه ما اتقنت مشكاة إيمان

ترجمه: اگر او نبود، نسل رسول خدا ﷺ منقطع می گردید. و اگر او نبود، چراغ ایمان روشن نمی شد.

حافظ طبرانی به اسناد خود از جابرین عبد الله انصاری آورده است که رسول خدا ﷺ فرمود: إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ ذُرِّيَّةَ كُلِّ نَبِيٍّ فِي صُلْبِهِ وَإِنَّ اللَّهَ جَعَلَ ذُرِّيَّتِي فِي صُلْبِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ. (المعجم الكبير ۳ / ۳۵؛ الرياض النضرة ۲ / ۱۶۸؛ مجتمع الزوائد ۲ / ۲۷۱)

۳۸. لولاه لم يك سقف الدين ذا عمد لولاه لانهدمت أركانه الواني

ترجمه: اگر او نبود، سقف دین، ستونی نداشت تا بر آن تکیه کند و پایه های سست آن فرو می ریخت.

۳۹. لولاه ما خلقت أرض و لا فلك لولاه لم يقترن بالأول الثاني

ترجمه: اگر او نبود، نه زمین آفریده می شد، نه آسمان. و زمین و آسمان با هم همراه نمی شدند.

۴۰. هو الذي كان بيت الله مولده فطهر البيت من أرجاس أوثان

ترجمه: اوست که زادگاهش خانه خداست و اوست که خانه خدا را از پلیدی بتها پاک کرد.

حاکم نیشابوری در کتاب خود (المستدرک علی الصحیحین) گوید:

قد تواترت الأخبار أن فاطمة بنت أسد ولدت أمير المؤمنين علي بن أبي طالب كرم الله وجهه في جوف الكعبة. (المستدرک علی الصحیحین ۳ / ۴۸۳)

۴۱. هو الذي من رسول الله كان له مقام هارون من موسى بن عمران
ترجمه: اوست کسی که نسبت به رسول خدا ﷺ چون هارون برای حضرت موسی ﷺ بود.

احمد بن حنبل در مسند خود، از عامر بن سعد، از پدرش روایت می کند: سمعت رسول الله يقول له - و خلفه في بعض مغازيه - فقال علي: أتخلفني مع النساء و الصبيان؟ قال: يا علي! أما ترضى أن تكون مني بمنزلة هارون من موسى إلا أنه لانيي بعدى؟ (مسند احمد ۱ / ۱۸۵؛ فضائل الصحابة ۲ / ۶۶۳)

۴۲. هو الذي صار عرش الرب ذا شنفٍ إذ صار قرطيه ابنائه الكريمان
ترجمه: اوست آنکه دو فرزند بزرگوارش حسن و حسین ﷺ زینت و گوشواره های عرش خداوند.

۴۳. أقدامه مسحت ظهراً به مسحت يد الإله لتبريد و إحسان
ترجمه: پاهای او بر شانه های قرار گرفت (شانه های پیامبر) که دست خداوند آن را با خنکی و احسان نواخته بود.

۴۴. يا واضعاً قدميه حيثما وضعت يد الإله عليه عز من شان
ترجمه: ای امام بزرگوار، پای در جایی نهادی که دست خداوند - عز شأنه - بر آن قرار گرفته است.

۴۵. رحب الأكف إذا فاضت أنامله لو لم يقل حسب ثنى يوم طوفان
ترجمه: تو آن دریا دستی که چون سرانگشتان بخشنده ات بخشنده گی آغاز کنند، اگر درخواست کنندگان نگویند کافی است، طوفان نوح دوباره تکرار خواهد شد.

۴۶. لو ظلّ تحت لواه في الوغا علم تراه ترجح حنواً نحو ميدان
ترجمه: هر پرچمی که تحت فرماندهی او در جنگ قرار گیرد، طوفانی و بی قرار - در حالی که از شدت شتاب به سوی جلو خم گردیده - به طرف میدان نبرد می تازد.

۴۷. ما تستقرّ الرواسی تحت صارمه کسالتود تندک من أنس و بنیان
ترجمه: کوههای بلند و استوار هم در برابر شمشیرش تاب نمی‌آورند و از اساس
و بنیان، نابود می‌گردند.

۴۸. فیا عجیباً من الدنیا و عاداتها أن لیساعد غیر الوغد والدانی
ترجمه: پس شگفتا از دنیا و عادت زشت او که جز فرومایگان و افراد پست را یاری
نمی‌کند.

۴۹. من کان نصّ رسول الله عینّه لإمرة الشرع تبلیغاً بإعلان
ترجمه: کسی که رسول خدا ﷺ با کلام صریح خود، آشکارا او را برای
پیشوایی شرع مقدّس اسلام تعیین فرمود:

۵۰. یوم الجاهیر فی بیداء قد ملأت بکلّ من کان من أعقاب عدنان
ترجمه: روزی که بیابان (غدیر خم) مالا مال از اعراب نسل عدنان بود.
وقال صحب رسول الله قاطبة بسخّ لذاک و کان الأوّل الثانی
ترجمه: همهٔ اصحاب پیامبر [به امیر مؤمنان] تبریک گفتند و نخستین کسی که
تبریک گفت [خلیفه] دوم بود.

۵۱. من بعد ما شدّد الرحمان امرته علی الرسول بإحکام و إتقان
ترجمه: پس از آنکه خداوند رحمان، موضوع ابلاغ امارت او را از رسول
خدا ﷺ با تأکید فراوان خواست؛

۵۲. فقال بلّغ و إلاّ فادّر إنک ما بلّغت حقّ رسالاتی و تبیانی
ترجمه: و فرمود: این موضوع را برسان و گرنه، بدان که حقّ رسالت و تبیان
حقایق را ادا نکرده‌ای؛

۵۳. تقدّمته أناس لیس عینهم نصّ الإله و لا منطوق برهان
ترجمه: با این وجود، شگفتا! کسانی [در امر خلافت] بر او پیشی گرفتند که هیچ
نصّ الاهی و برهانی [قرآنی] آنان را به این سمت، تعیین نکرده بود.

۵۴. لا أضحک الله سنّ الدهر إنّ له قواعد عدلت عن کلّ میزان
ترجمه: خدا دهان روزگار را به خنده نگشاید؛ زیرا قوانینی دارد که با هیچ میزان

و معیاری مطابقت نمی‌کند.

۵۵. بصفو حبك قد أحييت مهتدياً فدتك نفسي يا ديني و إيماني

ترجمه: با عشق ناب و زلال تو ای علی، هدایت یافتم و زنده شدم. جانم فدای تو باد، ای آن که دین و ایمان منی.

۵۶. و درّ فيضك ما دار السماء جري و دام ظلّك ما كرّ الجديان

ترجمه: تا زمانی که آسمان در گردش است، فیض و بخشش تو جاری باد. و تا وقتی شب و روز می‌آیند و می‌روند، عزّت و ارجمندی ات مستدام باد.



شپوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی